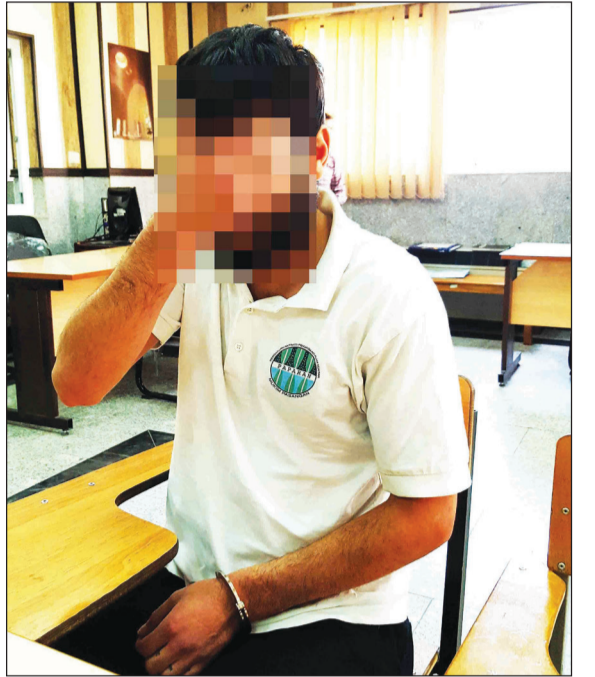


پسر جوان اشتباه بزرگی کرد

آتش افروزی رقیب عشقی در شب خواستگاری



گروه حوادث: پسر عاشق پیشه در یک برداشت اشتباهی به فکر انتقام گیری آتشین افتاد و پس از اقدام هولناکش پی به کینه اشتباهی اش برد. ۱۴ سفند ماه سال گذشته آتش

سوزی هولناکی در منطقه پیروزی رخ داد و خیلی زود تیمی از ماموران کلانتری ۱۱۰ شهدا و سازمان آتش نشانی تهران در محل حادثه حاضر شدند. آتش نشانان با حضور در محل مشاهده کردند که آتش سوزی در پارکینگ مجتمع مسکونی رخ داده و باطبیقات بالای در حال سرایت است و ساکنان برای فرار از آتش به پشت بام ساختمان پناه برده اند. با توجه به شدت آتش سوزی تیم های کمکی در محل حاضر شدند و ماموران در ۲ عملیات با جرثقیل و نردبان های بلند اقدام به نجات ساکنان مجتمع مسکونی کرده و در عملیاتی دیگر آتش نشانان مشغول به خاموش کردن آتش شدند. پس از مهار آتش و نجات اهالی این ساختمان تیم کارشناسی برای بررسی علت حادثه دست به کار شده و در تحقیقات پی بردند که آتش سوزی عمدی خودروی جک سواری و موتورسیکلت در پارکینگ ساختمان باعث آتش بزرگ شده است.

تحقیقات پلیسی
با توجه به عمدی بودن این آتش سوزی تیمی از ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس شعبه ۹ دادسرای ناحیه ۱۴ برای دستگیری عامل این حادثه وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات مجتبی صاحب خودرو و موتورسیکلت را که پسر جوانی بود هدف تحقیق قرار دادند و وی ادعا کرد که با هیچ کسی درگیری یا اختلاف مالی و دشمنی ندارد و نمی تواند کسی را به عنوان عامل این آتش افروزی معرفی کند. **شناسایی مظنون اصلی**
در حالیکه هیچ مظنونی در این پرونده وجود نداشت کارآگاهان با اقدامات فنی و با گذشت چند ماه به سر نخی رسیدند که احتمال می رفت یکی از دوستان صاحب خودرو در این آتش افروزی نقش داشته است و این در حالی بود که صاحب خودرو ادعا می کرد که مسعود با وی هیچ اختلافی نداشته و نمی تواند کار آتش سوزی از سوی او صورت گرفته باشد.

کارآگاهان در این مرحله با دستور باز پرس پرونده در روز ۱۴ مرداد ماه اقدام به دستگیری مسعود کردند و وی در تحقیقات ابتدایی خود را بی گناه می دانست و ادعا می کرد که هیچ اختلافی با دوستش نداشته و نمی داند این آتش سوزی از سوی چه کسی رخ داده است. **اعتراف به آتش افروزی**
مسعود ۲۵ ساله وقتی در تناقض گوئی هایش گرفتار شد به ناچار لب به سخن گشود و آتش افروزی کینه جو یا نه خودروی دوستش اعتراف کرد. مسعود به ماموران گفت: چندی پیش به یک دختر جوان علاقه مند شدم و فکر می کردم که مجتبی نیز قصد دارد با این دختر جوان ازدواج کند و این در حالی بود که مجتبی از نظر مالی و اقتصادی و موقعیت کاری نسبت به من شرایط بهتری داشت و از طرف دیگر خانواده دختر مورد علاقه ام با خانواده مجتبی ارتباط نزدیکی داشتند به همین خاطر تصمیم به انتقام گیری از مجتبی گرفتم. وی افزود: ساعت ۳ بامداد ۱۴

اخبار حوادث

شلیک مرگبار پسر بچه به مادر در منوجان

شوخی مرگبار پسر بچه ۹ ساله با اسلحه شکاری باعث مرگ مادر در شهرستان منوجان شد. امید رضایی معاون دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان منوجان گفت: شامگاه یکشنبه پس از بازگشت اعضای یک خانواده به خانه، پسر بچه ۹ ساله خانواده یک تفنگ شکاری که در داخل ماشین پدر بزرگ بوده را به قصد شوخی به طرف مادر خود نشانه می گیرد که متأسفانه تیراندازی صورت گرفته و مادر مورد اصابت گلوله قرار می گیرد. وی افزود: بلافاصله این خانم به مراکز درمانی اعزام می شود که در اثر شدت جراحات و خونریزی، مصدوم به بیمارستان شهرستان کهنوج اعزام می شود که متأسفانه در میانه راه مادر خانواده فوت می نماید. این مقام قضایی بی احتیاطی پدر خانواده در دسترس قرار دادن اسلحه خطای بسیار بزرگ بر شمرده و گفت: موضوع در حال بررسی است و تحقیقات تکمیلی در این رابطه از سوی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان منوجان همچنان ادامه دارد.

دستگیری مردان مخوف در کرمان

دزدان مسلح کرمان پس از سه ماه کار پلیسی دستگیر شدند. سردار بنی اسدی فر، رئیس پلیس کرمان گفت: در پی اعلام وقوع ۲ سرقت مسلحانه از جایگاه های سوخت سطح شهر کرمان و یک سرقت مسلحانه از یک خانه، ماموران پلیس آگاهی کرمان برای دستگیری سارقان مسلح وارد عمل شدند. وی ادامه داد: تحقیقات و بررسی های صورت گرفته حاکی از این مطلب بود که سارقان پس از سرقت به شهر یا استان دیگری متواری شده اند. این مقام انتظامی خاطر نشان کرد: پس از قریب به ۳ ماه کار پلیسی، اطلاعاتی مأموران آگاهی یکی از متهمان با اقدامات به موقع دستگیر شد. بنی اسدی فر در ادامه افزود: پس از تحقیق و ریشه یابی نفر دوم هم در استان البرز شناسایی شد و مأموران آگاهی مهم دوم را که در کرج پنهان شده بود با مساعدت پلیس این شهرستان دستگیر و به کرمان منتقل نمودند. رئیس پلیس استان کرمان بیان کرد: در پی دستگیری و پس از تحقیقات صورت گرفته یک قبضه اسلحه از متهمان کشف و ضبط شد. متهمان به سه فقره سرقت به ارزش ریالی ۲۰ میلیون تومان اقرار و پرونده جهت سیر مراحل قانونی و تحقیقات بیشتر تحویل مقامات شد.

آزادی گروگان ۱۹ ساله زاهدانی پس از ۲۲ روز

جوان ۱۹ ساله ای که ۲۲ روز پیش در زاهدان گروگان گرفته شده بود با تلاش پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان آزاد شد. سردار قنبری، رئیس پلیس سیستان و بلوچستان گفت: گروگانگیران ۱۵ میلیارد ریال برای آزادی این جوان از خانواده اش درخواست کرده بودند. قنبری افزود: نیروهای پلیس آگاهی با همکاری دستگاه قضایی، ۴ نفر از همدستان گروگانگیران را شناسایی و دستگیر کردند. وی گفت: مأموران با اعتراضات این افراد از محل اختفای آدم ربایان در خاش مطلع شدند و در عملیاتی منسجم و هماهنگ گروگان را آزاد کردند. رئیس پلیس استان سیستان و بلوچستان با بیان اینکه تلاش برای دستگیری عوامل اصلی این گروگانگیری ادامه دارد افزود: پلیس اجازه نخواهد داد مجرمان آسیایش شهروندان را برهم بزنند.

قاتل فراری بندرعباس دستگیر شد

قاتل مسلح فراری در مخفیگاهش در بندرعباس زمینگیر شد. امید رضایی، معاون دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان منوجان گفت: پس از ماهها کار اطلاعاتی و پلیسی مخفیگاه قاتل فراری در استان هرمزگان شناسایی و بلافاصله دستورات قضایی لازم جهت دستگیری متهم صادر شد. وی افزود: مأموران در یک اقدام منسجم و هماهنگ پلیسی و پس از اعطای نیابت قضایی به دادستانی بندرعباس شامگاه شبیه گذشته قاتل فراری در محل مخفیگاهش توسط یک کارمترک کارگهان پلیس آگاهی منوجان و بندرعباس دستگیر شد. این مقام قضایی در تشریح این خبر گفت: متهم در اواخر سال ۱۳۹۵ در منطقه خسروآباد از توابع شهرستان منوجان توسط یک قبضه کلت کمتری اقدام به قتل فردی بنام (ع.ش.) نکرد بود و پس از ارتکاب جرم از محل حادثه متواری شده بود. رضایی اضافه کرد: متهم در بازجویی های اولیه اختلافات خانوادگی را علت اصلی انگیزه خود در بروز این حادثه اعلام کرده است. معاون دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان منوجان گفت: متهم در حال حاضر با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده است و تحقیقات تکمیلی در این رابطه ادامه دارد.

خبر

این زن را می شناسید؟!

پایان پر سه های زن بز هکار در پایتخت

وی افزود: ۲ زن جوان بانشان دادن پول های نقد داخل کیسه خودشان راز نان خیر خواهر و نیکو کار معرفی کردند و بانشان دادن یک کیسه مشکلی رنگ بر از لباس می گفتند قصد دارند لباس ها را به افراد نیازمند بدهند. زن میانسال ادامه داد: ۲ زن جوان ادعا کردند که این کار خیر خواهانه را از سوی عروس خانواده شان که بتازگی مسلمان شده صورت گرفته و با چرب زبانی هایشان به آنها اعتماد کرده بودم تا اینکه یکی از آنها گفت که می خواهد برای عروس شان طلا بخرند و از من خواست تا ۱۸ حلقه النگوی داخل دستم را به آنها دهم تا شماره آن را برداشته تا مثل آنها را برای نوعروس شان بخرند. وی گفت: زن جوان پس از مشاهده النگوی هاییم آنها را داخل کیسه مشکلی لباس ها گذاشت و کیسه مشکلی را تحویل من دادند که لباس ها را نیز به افراد نیازمند تحویل دهم و سپس به آرامی از من دور شدند. طعمه دزدان افزود: وقتی به خانه آمدم کیسه لباس ها را باز کردم تا النگوها را بر دارم اما اثری از النگوها نبود و با دیدن سوراخ انتهایی کیسه مشکلی رنگ متوجه نقشه فریبکارانه آنها شدم. **طایفه فیوج**
ماموران پایگاه ۶ پلیس آگاهی تهران با توجه به شیوه و شگرد دزدان که معمولاً از سوی دزدان طایفه فیوج صورت می گیرد آلبوم مجرمان سابقه دار را پیش روی زن میانسال قرار دادند و خیلی زود یکی از متهمان سابقه دار که سولماز ۲۷ ساله است شناسایی شد. کارآگاهان در ادامه تحقیقات میدانی به سراغ دوربین های مدار بسته در محل سرقت رفته و توانستند شماره پلاک خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ را شناسایی کنند که مشخص شد این خود در اختیار سولماز و تعدادی دیگر از سارقان طایفه فیوج قرار دارد. **سرقت های گسترده**
ماموران در کاوش های بعدی پی بردند که اعضای یک باند که چندین طایفه فیوج آن را تشکیل دادند با خودروی پژو ۲۰۶ سفید، دنا مشکلی و پراید سفید رنگ اقدام به سرقت طلاهای زنان سالمندی کنند. **مخفیگاه سولماز**
کارآگاهان با استفاده از اطلاعات به دست

آمده و اقدامات پلیسی مخفیگاه سولماز در منطقه شهر ری، خیابان ۱۳ آبان را شناسایی کردند و سپس با اطمینان از حضور وی در مخفیگاهش پلیس این دختر جوان را دستگیر کرد. سولماز پس از دستگیری وقتی در برابر زن میانسال قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و گفت: با یکی از دوستانم سوار بر خودرو در خیابان ها پسر سه می زدیم و با شناسایی سوژه هایمان که بیشتر زنان میانسال و سالمند بودند به بهانه کارهای خیر خواهانه دست به سرقت طلاهایشان می زدیم.



با اعتراضات سولماز تحقیقات برای دستگیری همدست فراری این زن جوان در دستور کار ماموران پایگاه ۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است. بنا به این گزارش، با توجه به اعتراضات سولماز به سرقت های متعدد طلاجات از زنان سالخورده و با توجه به سوابق متهم، باز پرس شعبه ۲ دادرسی ناحیه ۴ تهران با تقاضای چاپ عکس متهم خواسته تا کسانیکه در دام سرقت های فریبکارانه وی قرار گرفته اند به پایگاه ۶ پلیس آگاهی تهران یا دادسرای ویژه سرقت تهران مراجعه کنند.

شلیک در قهوه خانه حادثه آفرید

قتل پس از ۳ سال خانه نشینی

گروه حوادث: پسر جوان که در درگیری قهوه خانه هدف گلوله گرفتار گرفته بود بعد از ۳ سال خانه نشینی به نام مرگ فرو رفت. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۰ به دنبال مجروح شدن پسر ۳۰ ساله به نام افشین در یک قهوه خانه در جنوب تهران در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می داد درگیری در قهوه خانه به خون کشیده شده و افشین با شلیک گلوله به گردنش زخمی و به کما رفته است. افشین در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت و وی که به سختی قادر به صحبت کردن بود در جریان بازجویی هایکی از دوستانش به نام سعید را عامل تیراندازی معرفی کرده و سعید بازداشت شد اما تیراندازی را انکار کرد. افشین که قطع نخاع شده بود ۳ سال بعد در خانه اش فوت شد. با مرگ افشین در سال ۹۳ پرونده وارد مرحله تازه ای شد و سعید بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت. وی ادعا کرد تفنگی در دست نداشته و یکی از دوستانش به نام پیمان که حالا متواری است با اسلحه به افشین شلیک کرده است. تلاش پلیس برای ردیابی پیمان آغاز شد اما به نتیجه مطلوب نرسید و ردی از وی به دست نیامد. بدین ترتیب سعید که با قرار وثیقه آزاد بود در روز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه مادر قربانی در حالی که اشک می ریخت گفت: پسر ۳ سال در بستر بیماری بود. او قطع نخاع شده و نمی توانست هیچ کاری انجام دهد. هزینه های درمانش را به سختی پرداختم اما در این مدت سعید و خانواده اش سراقی از من نگرفتند و حتی

دفاعیات زن متهم به قتل همسر در دادگاه کیفری استان تهران

به خاطر مطالبه مهریه ام متهم شدم

داشت و مدام بی قراری می کرد و چندبار برای برداشتن سیگار از داخل ماشینش به پارکینگ رفت و بازگشت، سعی کردم او را آرام کنم اما درش زیاد بود. وی ادامه داد: ساعت ۱۲ شب بود که از شدت خستگی خوابم برد اما حدود ساعت ۱۳ از خواب بیدار شدم و متوجه شدم همسرم در خانه نیست. همه جا را دنبال او گشتم و به پارکینگ رفتم تا از سید ایدار پارتمان سراغ همسرم را بگیرم ولی در گوشه حیاط با پیکر خونین رضارو به روشدم. همسرم خودکشی کرده و خودش را از طبقه ۹ به پایین پرت کرده بود. این زن دربار زندگی مشترک با همسرش به قضات دادگاه گفت: من و همسرم هر دو در دارالترجمه خواهر شوهرم کار می کردیم که با هم آشنا شدیم. من از رضا یکسال بزرگتر بودم ولی با هم ازدواج کردیم و زندگی خوبی داشتیم. ما در ۳ سال ونیم زندگی مشترک هیچ مشکلی با هم نداشتیم اما وقتی همسرم خودش را کشت پدر و مادرش سر رسیدند و مرا مقصر دانستند. آنها می گفتند نباید آن شب می خوابیدم و باید تمام وقت مراقب همسرم بودم. هر چه گفتم خسته بودم و بی اراده خوابم برده بود قبول نکردند. بعد از فوت همسرم مهریه ام را که ۱۱۰ سکه بود طلب کردم اما همین ماجرا باعث شد خانواده همسرم از من کینه به دل بگیرد و به اتهام قتل علیه من شکایت کنند. وی ادامه داد: من حتی مهریه ام را هم ننگرفتم اما فقط ۵۰ میلیونی که بابت رهن خانه به صاحب خانه پرداخت کرده بودم نصیبم شده است. من قسم می خورم بی گناهم و مرگ همسرم دستی نداشتم. بنا به این گزارش، در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رأی صادر کنند.

گروه حوادث: پدر و مادر مرد بیمار به خاطر مرگ موز پسرشان در حیاط خانه اش از عروس شان شکایت کردند و او را عامل قتل پسرشان معرفی کردند. تابستان سال ۹۵ زن جوانی به نام سهیلا با کلانتری زینباشهر تماس گرفت و از مرگ همسر ۳۱ ساله اش به نام رضا خبر داد. مأموران به خانه این زن رفتند و در گوشه حیاط با جنازه خونین رضا و برهرو شدند. سهیلا ادعا می کرد همسرش خودش را از طبقه ۹ ساختمان به پایین پرت کرده است. جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد و سهیلا تحت بازجویی قرار گرفت و در حالی که این زن مدعی بود همسر بیمارش خودش کشتی کرده است پدر و مادر رضا از عروسشان شکایت و وی را عامل قتل پسرشان معرفی کردند. به این ترتیب سهیلا که با قرار وثیقه آزاد بود در روز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمد باقر قربانزاده و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه پدر و مادر رضای برای عروسشان حکم قصاص خواستند سپس سهیلا ۳۲ ساله پشت در تریبون دفاع ایستاد و گفت: شوهرم از بیماری فیبرومیالیا که یک سندروم درناک اسکلتی است رنج می برد. او یک هفته در بیمارستان بستری بود و من و خواهر شوهرم که پزشک است کارهای مربوط به او را انجام می دادیم. یک هفته تمام بالای سر همسرم در بیمارستان بودم و حتی یک ساعت هم نخوابیدم. همان روز همسرم از بیمارستان مرخص شده و قرار بود پدر و مادرش از ارومیه به خانه مان بیایند. به همین خاطر خواهر شوهرم و همسرش دنبال آنها رفتند، من و همسرم در خانه تنها بودیم. رضارد